



السَّلَامُ عَلَیْكُمْ؛

أَهْلًا وَ سَهْلًا بِكُمْ فِي الصَّفِّ السَّابِعِ؛  
كَيْفَ حَالُكُمْ؟

سلام بر شما  
به کلاس هفتم خوش آمدید  
حالتان چطور است؟



## الدَّرْسُ الْأَوَّلُ (اسم اشاره + مفرد، مثنی و جمع)



هَذَا جَبَلٌ جَمِيلٌ. هَذِهِ صُورَةٌ جَمِيلَةٌ.

این کوه زیباست. این عکس زیباست

سوال: هذا و هذه هر دو «این» ترجمه شد پس چه تفاوتی باهمدیگر دارند؟

در ضمن جمیل و جمیله هر دو به معنی زیبا هستند پس چرا ظاهرشان فرق میکند؟



## الدَّرْسُ الْأَوَّلُ (بخش اول)

الْمُعْجَم: واژه‌نامه (۲۳ کلمه)

ارزش، قیمت	قِيَمَة:	دختر «جمع: بَنَات»	بِنْت:	وَلَد/ابن #
مانند	ك:	آن «مؤنث»	تِلْكَ:	هذه #
مانند درخت	كَالشَّجَرِ:	کوه	جَبَل:	
بزرگ «جمع: كِبَار»	كَبِير:	زیبا	جَمِيل:	
تابلو	لَوْحَة:	آن «مذکر»	ذَلِكَ:	هذا #
زن	الْمَرْأَة (امْرَأَة):	مرد «جمع: رِجَال»	رَجُل:	
همنشینی	مُجَالَسَة:	درخت «جمع: أَشْجَار»	شَجَر:	
همنشینی با دانشمندان	مُجَالَسَة الْعُلَمَاء:	کلاس «جمع: صُفوف»	صَف:	
موفق، پیروز	نَاجِح:	عکس	صَوْرَة:	
فراموشی	نَسِيَان:	دانش آموز، دانشجو	طَالِب:	
پسر، فرزند	وَلَد:	«جمع: طُلَاب»		
«جمع: أَوْلَاد»		واجب دینی	فَرِيضَة:	
این «مذکر»	هَذَا:	در، داخل	فِي:	
این «مؤنث»	هَذِهِ:			

هذا = هذه      ذلك = تلك



## قِيمَةُ الْعِلْمِ

### لغات مهم

بلا : بدون

حسن السؤال : خوب پرسیدن

العلماء : دانشمندان

طلب : خواستن

آفة : آسیب

۱. أَلْعَالِمُ بِلا عَمَلٍ كَالشَّجَرِ بِلا ثَمَرٍ.

دانشمند بدون عمل مانند درخت بدون میوه است

۲. حُسْنُ السُّؤَالِ نِصْفُ الْعِلْمِ.

خوب پرسیدن نصف علم است

۳. مُجَالَسَةُ الْعُلَمَاءِ عِبَادَةٌ.

همنشینی با دانشمندان، عبادت است

۴. طَلَبُ الْعِلْمِ قَرِيضَةٌ.

خواستن علم، واجب دینی است

۵. آفَةُ الْعِلْمِ النَّسِيَانُ!

آسیب علم، فراموشی است

### آن

### این

## ذَلِكَ تِلْكَ

## هَذَا هَذِهِ



این زن، پزشک است

هَذِهِ الْمَرْأَةُ، طَبِيبَةٌ.

این پزشک، موفق است

هَذِهِ الطَّبِيبَةُ، نَاجِحَةٌ.

هَذَا الرَّجُلُ، طَبِيبٌ.

این مرد، پزشک است

هَذَا الطَّبِيبُ، نَاجِحٌ.

این پزشک، موفق است

۱. هر پنج حدیث از رسول الله ﷺ است.

**تذکر :** هذا و هذه هم معنی هستند. خوب دقت کنید و ببینید هذا در کجا می آید و هذه در کجا؟ همچنین ذلك و تلك هم معنی هستند، خوب به جایگاه و اسم های بعدی آن ها دقت کنید و تفاوت را بیابید





ان زن، شاعر است  
آن شاعر، پروین است

تِلْكَ الْمَرْأَةُ، شَاعِرَةٌ.  
تِلْكَ الشَّاعِرَةُ، بَرَوِينُ.



ان مرد، شاعر است  
آن شاعر، سعدی است

ذَلِكَ الرَّجُلُ، شَاعِرٌ.  
ذَلِكَ الشَّاعِرُ، سَعْدِيٌّ.



شجره ارسنجان

این درخت، عجیب است

هَذِهِ الشَّجَرَةُ، عَجِيبَةٌ.



این کلاس، بزرگ است

هَذَا الصَّفُّ، كَبِيرٌ.



ان تابلو، زیبا است

تِلْكَ اللُّوْحَةُ، جَمِيلَةٌ.



جبل جم

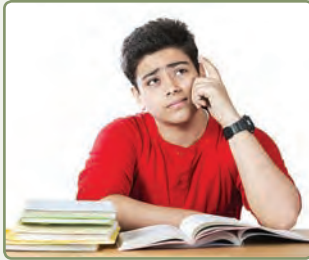
ان کوه، بلند است

ذَلِكَ الْجَبَلُ، مُرْتَفِعٌ.

۱. هر اسمی در عربی یا مذکر است یا مؤنث.

۲. علامت اصلی اسم مؤنث «ة» است؛ مانند: طالِبَة.

اما مذکر نشانه ندارد؛ مانند: طالب.



هَذَا طَالِبٌ.



هَذِهِ طَالِبَةٌ.

۳. «هَذَا» و «ذَلِكَ» اسم اشاره برای مذکر و «هَذِهِ» و «تِلْكَ» اسم اشاره برای مؤنث اند.

۴. اسم‌هایی مثل جَزِيرَة و لَوْحَة چون علامت «ة» دارند؛ مؤنث به شمار می‌آیند.

### برای مطالعه آزاد در منزل (حروف شمسی و قمری)

۱. اسم‌های حروف الفبا در عربی:

الف (همزه) - باء - تاء - ثاء - جیم - حاء - خاء - دال - ذال - راء - زاء - سین - شین -

صاد - ضاد - طاء - ظاء - عین - غین - فاء - قاف - کاف - لام - میم - نون - هاء - واو - یاء

۲. حروف «گ، چ، پ، ژ» در عربی نوشتاری وجود ندارد؛ اما در عربی گفتاری گاهی

تلفظ می‌شوند.

۱. از این بخش در هیچ آزمون و مسابقه‌ای سؤال طرح نمی‌شود.

بدانیم تکمیلی

مذکر و مؤنث

اسم مذکر اسمی است که به جنس **نر** دلالت دارد و نشانه ای ندارد. رجل - صف  
اسم مؤنث بر جنس ماده دلالت دارد و علامتش ( ة ) می باشد. امرأة - وردة  
نکته مهم: برخی اسم ها با وجود اینکه **آخرشان (ة) ندارند ولی چون بر جنس ماده اشاره دارند مؤنث**  
به شمار می روند مانند: زینب، بنت، أم

زبان عربی ۲۸ حرف دارد چهار حرف (گ چ پ ژ) در زبان عربی نوشتاری فصیح وجود ندارد

**مفرد:** در زبان عربی به اسم هایی که به یک نفر یا یک چیز به کار برده می شود (تعدادشان یک عدد باشد) اسم مفرد گفته می شود. مانند: رجل (مرد یا یک مرد)، شجرة (درخت یا یک درخت)

. **تعریف اسم اشاره:** اسمی است که با آن به کسی یا چیزی اشاره می کنیم

اسم های اشاره مفرد

هذا (مذکر)، هذه (مؤنث) به معنای (این)

ذلک (مذکر)، تلک (مؤنث) به معنای (آن)

. هذا، هذه ( این ) : اسم اشاره به نزدیک ..... هذا کتابٌ . هذه لوحةٌ

ذلک، تلک ( آن ) : اسم اشاره به دور ..... ذلک رجلٌ . تلک شجرةٌ

التَّمارين

۱ التَّمرينُ الأوَّلُ:

این جمله ها را به فارسی ترجمه کنید؛ سپس زیر اسم های اشاره خط بکشید.

۱. ذلک الطالبُ النَّاجِحُ، في الصَّفِّ الأوَّلِ.

ان دانش آموز موفق، در کلاس اول است

۲. هُذه الطالبَةُ النَّاجِحَةُ، في الصَّفِّ الأوَّلِ.

این دانش آموز موفق، در کلاس اول است

۳. هُذا الوَلَدُ، في هُذه المَدْرَسَةِ.

این پسر، در این مدرسه است

٤. هَذِهِ الْبِنْتُ، فِي تِلْكَ الْمَدْرَسَةِ.

این دختر، در آن مدرسه است

٥. ثَمَرُ هَذِهِ الشَّجَرَةِ الْكَبِيرَةِ، لَذِيذٌ.

میوه ی این درخت بزرگ، خوشمزه است

٢. التَّمْرَيْنُ الثَّانِي:

نام هر تصویر را از کلمات داده شده بیابید.

واجب

دختر

درخت

جَبَلٌ - شَجَرَةٌ - وَלَدٌ - بِنْتُ - صَفٌّ - فَرِيضَةٌ

کلاس

پسر

کوه



سرو ابرکوه

تِلْكَ ..... شَجَرَةٌ ..... مُرْتَفِعَةٌ



هَذِهِ ..... بِنْتُ ..... نَاحِيَةٌ.



هَذَا ..... صَفٌّ ..... جَمِيلٌ.



ذَلِكَ ..... جَبَلٌ ..... كَبِيرٌ.



## الدَّرْسُ الْأَوَّلُ (بخش دوم)

المُعْجَم: واژه‌نامه (۲۲ کلمه)

أَمَانٌ:	امنیت	لَكَ:	تو، - تو برایت، به سود تو
حَسَبٌ:	چوب «جمع: أَحْشَابٌ» <b>چوب ها</b>	الْمَرْءُ (امراً):	انسان، مرد <b>المرء ≠ المرأة</b>
خَيْرٌ:	بهتر، بهترین، خوبی خَيْرٌ مِنْ:	نَافِذَةٌ:	پنجره «جمع: نَوَافِذٌ» <b>پنجره ها</b>
دَهْرٌ:	روزگار	وَرْدٌ، وَرْدَةٌ:	گل
دَهَبٌ:	طلا	هَ، هُ، هِ:	ش، - او، - آن طلایش
عَلِيٌّ:	<b>مثال: علی المنضدة روی میز</b> بر، روی	هَاتَانِ:	این دو، اینها <b>اسم اشاره مثنی</b> (اشاره به دو اسم مؤنث)
عَلَيْكَ:	بر تو، به زیان تو	هَذَانِ:	این دو، اینها <b>اسم اشاره مثنی</b> (اشاره به دو اسم مذکر)
فَخْرٌ:	افتخار	هُمَا:	ایشان، آن دو، آنان <b>ضمیر</b> «مثنای مذکر و مثنای مؤنث»
كُرْسِيٌّ:	<b>صندلی ها</b> صندلی «جمع: كُرَاسِيٌّ»	هُوَ:	او «مذکر» <b>ضمیر</b>
كَلَامٌ:	سخن	هِيَ:	او «مؤنث» <b>ضمیر</b>
لِ:	برای این کلاس دارد. (برای این کلاس هست.)	يَوْمٌ:	<b>روز ها</b> روز «جمع: أَيَّامٌ»
لِهَذَا الصَّفِّ:			

ضمیر کلمه ای است که به جای اسم می آید و از تکرار آن جلوگیری می کند

او

مثال: علی به مدرسه رفت ~~علی~~ خیلی خوشحال بود

نعمه : یک نعمت نعمتان : دو نعمت

یوم: یک روز یومان: دوروز

والد: سرپرست خانواده ، پدر والدان/والدین: دو سرپرست خانواده ، پدر و مادر

## نورُ الْكَلَامِ

۱. نِعْمَتَانِ مَجْهُولَتَانِ، الصَّحَّةُ وَ الْأَمَانُ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

دو نعمت ناشناخته است سلامتی و امنیت

۲. رِضَا اللَّهِ فِي رِضَا الْوَالِدَيْنِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

رضایت خداوند در رضایت پدر و مادر است

۳. أَدَبُ الْمَرْءِ، حَيْرٌ مِنْ ذَهَبِهِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

ادب انسان، بهتر از طلایش است

۴. أَلَدَّهْرُ يَوْمَانٍ؛ يَوْمٌ لَكَ وَ يَوْمٌ عَلَيْكَ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

روزگار دو روز است روزی به سود تو و روزی به ضرر تو

این دو

هاتان

این دو

هذان

هر دو بمعنی این دو هستند. بنظرتون تفاوت در چیست؟



این دو دختر هستند

هاتانِ بِنْتَانِ.

این دو دختر پاکیزه اند

هاتانِ الْبِنْتَانِ، نَظِيفَتَانِ.

آنها سعیده و حمیده هستند

هُمَا سَعِيدَةٌ وَ حَمِيدَةٌ. أَنهِنَّ سَعِيدَةٌ وَ حَمِيدَةٌ هُنَّ

این دو پسرند

هذانِ وَكِلْدَانِ.

این دو پسر پاکیزه اند

هذانِ الْوِلْدَانِ، نَظِيفَانِ.

آنها سعید و حمید هستند

هُمَا سَعِيدٌ وَ حَمِيدٌ.



این دو گل هستند

هاتانِ وَرَدَتَانِ.

این دو گل، زیبا هستند

هاتانِ الْوَرَدَتَانِ، جَمِيلَتَانِ.

این دو صندلی اند

هُذَانِ الْكُرْسِيَّانِ.

این دو صندلی، خوبی اند

هُذَانِ الْكُرْسِيَّانِ، حَسْبِيَّانِ.



۱. اسم مثنی دو علامت دارد: «ان» و «ین»؛ مانند:

طَالِبَانِ، طَالِبَيْنِ، طَالِبَتَانِ و طَالِبَتَيْنِ

۲. «هُذَانِ» اسم اشاره برای مثنای مذکر و «هاتان» اسم اشاره برای مثنای مؤنث هستند.

مثنی یعنی چی؟ هر چیزی که تعدادش دو عدد باشه رو بهش میگن مثنی

آخر هر اسم مفردی ان و ین اضافه کنیم مثنی می شود

یوم: یک روز یومان/یومین: دوز

# کانال عربی متوسطه عیوضی

اسم این علامت ها را به خاطر بسپارید.

فتحه - کسره - ضمه - سکون - تنوین

١ التَّمَرينُ الْأَوَّلُ:

جاهای خالی را با کلمات داده شده پُر کنید؛ سپس جمله‌ها را ترجمه کنید.

پسر دو پسر دختر دو دختر

(وَلَدٌ - وَلَدَانٌ - بِنْتُ - بَنَاتَانٌ)



هاتان، **بناتان** مَحَجَّبَاتَانِ.

هُمَا فَرِيدَةٌ وَ حَمِيدَةٌ.

این دو دختر با حجاب هستند

آن‌ها (آن دو) فریده و حمیده اند



هذه، **بنت** مَحَجَّبَةٌ.

هِيَ سَعِيدَةٌ.

این دختر با حجاب است

او سعیده است



هذا، **ولد** مَوْدَّبٌ.

هُوَ سَعِيدٌ.

این پسر با ادب است

او سعید است



هذان، **ولدان** مَوْدَّبَانِ.

هُمَا فَرِيدٌ وَ حَمِيدٌ.

این دو پسر با ادب هستند

آن‌ها (آن دو) فرید و حمید هستند



اسم اشاره مفرد مذکر (یک نفر مذکر): **هذا: این / تلك: آن**  
 اسم اشاره مفرد مؤنث (یک نفر مؤنث): **هذه: این / ذلک: آن**  
 اسم اشاره مثنی مؤنث (دو نفر مؤنث): **هذان: این دو / اینها**  
 اسم اشاره مثنی مؤنث (دو نفر مؤنث): **هاتان: این دو / اینها**

## ۲ التَّمْرِينُ الثَّانِي:

در جای خالی گزینه مناسب به کار ببرید.

- |                         |           |                  |           |                 |   |
|-------------------------|-----------|------------------|-----------|-----------------|---|
| این دو زن خوشحال هستند  | دو زن     | ○ المَرَاتَانِ   | مرد       | ○ الرَّجُلِ     | ۱. هاتانِ المرأتانِ، مَسْرُورَتَانِ.    |
| آن جزیره ناشناخته است   | آن        | ○ تِلْكَ         | آن        | ○ ذَلِكْ        | ۲. تلكَ الْجَزِيرَةُ، مَجْهُولَةٌ.      |
| این دو کوه بلند هستند   | دو کوه    | ○ الْوَرْدَةُ    | دو کوه    | ○ الْجَبَلَانِ  | ۳. هُذَانِ الْجَبَلَانِ، مُرْتَفِعَانِ. |
| این پنجره چوبی است      | این       | ○ هَذِهِ         | این       | ○ هَذَا         | ۴. هَذِهِ النَّافِذَةُ، خَشَبِيَّةٌ.    |
| آن دانش آموز پاکیزه است | دانش آموز | ○ الطَّالِبِ     | دانش آموز | ○ الطَّالِبَةِ  | ۵. ذَلِكِ الطَّالِبِ، نَظِيفٌ.          |
| این مدرسه بزرگ است      | دو مسجد   | ○ الْمَسْجِدَانِ | مدرسه     | ○ الْمَدْرَسَةُ | ۶. هَذِهِ الْمَدْرَسَةُ، كَبِيرَةٌ.     |

## ۳ التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ:

ترجمه کنید.

اسم های مثنی مؤنث

اسم های مثنی مذکر

اسم های اشاره

۱. قِيَمَةُ الْإِنْسَانِ، بِالْعِلْمِ وَ الْإِيمَانِ.

ارزش انسان به علم و ایمان او است

۲. لِهَذَا الصَّفِّ، نَافِذَتَانِ جَمِيلَتَانِ.

این کلاس دو پنجره زیبا دارد

۳. أَلْوَلَدُ الصَّالِحِ، فَحَرٌّ لِلْوَالِدِينَ.

فرزند نیک برای پدر و مادر افتخار است

۴. كَلَامُ الْوَالِدِينَ مِنَ الذَّهَبِ.

سخن پدر و مادر از طلاست

۵. هَاتَانِ الشَّجَرَتَانِ، بِلَا تَمْرٍ.

این دو درخت، بدون میوه است

۶. هُذَانِ الصَّقَانِ، كَبِيرَانِ.

این دو کلاس، بزرگ است

## الدَّرْسُ الْأَوَّلُ (بخش سوم)

الْمُعْجَم: واژه‌نامه (۲۶ کلمه)

فَائِزٌ:	بَرْنَدَه	زندگان «مفرد: حي»	أَحْيَاءٌ ≠ أموات
فَلَّاحٌ:	كشاورز	شما «جمع مذکر»	أَنْتُمْ:
كَنْزٌ:	گنج «جمع: کنوز»	میان‌ترین میان‌ترین آن	أَوْسَطٌ: أَوْسَطُهَا:
لَاعِبٌ:	بازیکن	آنان، آن	أَوْلِيَاكَ: اسم اشاره
مِفْتَاحٌ:	کلید «جمع: مفاتيح»	نشسته	جَالِسٌ:
مَكْتَبَةٌ:	کتابخانه	سنگ «جمع: أحجار»	حَجَرٌ:
مَمُوتٌ:	مرگ	باغ «جمع: حدائق»	بُسْتَانٌ = حديقة
نَحْنُ:	ما	هفتاد	سَبْعِينَ:
وَاقِفٌ:	ایستاده	سال «جمع: سنوات»	سَنَةً:
هَأُولَئِكَ:	آن، آنان، آنان	دوستی	صَدَاقَةٌ:
هَؤُلَاءِ:	اینان، اینها، این	خردسالی، کوچکی	صِغَرٌ:
هَؤُلَاءِ:	ایشان، آنان «جمع مذکر»	دشمنی کردن	صَدَاقَةٌ ≠ عداوة
هَؤُلَاءِ:	ایشان، آنان «جمع مؤنث»	نزد، کنار	عِنْدَ:

حياة ≠ موت

واقف ≠ جالس

## گَنْزُ الْكُنُوزِ

۱. تَفَكَّرُ سَاعَةً خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سَبْعِينَ سَنَةً. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

ساعتی فکر کردن بهتر از هفتاد سال عبادت است

۲. عَدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صَدَاقَةِ الْجَاهِلِ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

دشمنی کردن عاقل بهتر از دوستی نادان است

۳. أَلْعِلْمُ فِي الصَّغَرِ كَالنَّقْشِ فِي الْحَجَرِ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

علم در خردسالی مانند نقش در (بر روی) سنگ است

۴. خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

بهترین کارها، میانه ترین آن است

۵. أَلْجَهْلُ مَوْتُ الْأَحْيَاءِ. حِكْمَةٌ

نادانی مرگ زندگان است

آنها

اینها

أَوْلِيكَ

هُؤُلَاءِ

نکته مهم: هر گاه بعد از اولنک و هولاء اسمی بیاید که ال داشته باشد اولنک و هولاء مفرد (ان - این) ترجمه می شوند



أَوْلِيكَ، مُجَاهِدَاتٌ.

آنان رزمنده هستند

أَوْلِيكَ الْمُجَاهِدَاتُ، صَابِرَاتٌ.

آن رزمندگان صبور هستند

هُنَّ نَاجِحَاتٌ.

آنها موفق هستند

أَوْلِيكَ، مُجَاهِدُونَ.

آنان رزمنده هستند

أَوْلِيكَ الْمُجَاهِدُونَ، صَابِرُونَ.

آن رزمندگان صبور هستند

هُمَّ نَاجِحُونَ.

آنها موفق هستند



هؤلاء، إيرانيات. **اینها ایرانی هستند**  
 هذه، صورة اللاعبات الإيرانيات.  
**این، عکس بازیکنان ایرانی است**  
 هؤلاء اللاعبات، فائزات.

هؤلاء، إيرانيون. **اینها ایرانی هستند**  
 هذه، صورة اللاعبين الإيرانيين.  
**این، عکس بازیکنان ایرانی است**  
 هؤلاء اللاعبون، فائزون.

**این بازیکنان، برنده هستند** **این بازیکنان، برنده هستند**

۱. «هؤلاء» و «أولئك» در اشاره به جمع مذکر و مؤنث مشترک هستند.
۲. اسم مذکر با «ون» یا «ین» جمع بسته و «جمع مذکر سالم» نامیده می شود؛  
 مثال: مُعَلِّمُونَ، مُعَلِّمِينَ
۳. اسم مؤنث با «ات» جمع بسته و «جمع مؤنث سالم» نامیده می شود؛ مثال:  
 مُعَلِّمَات
۴. جمع برخی اسم ها، «مکسر» یعنی شکسته است.  
 در این جمع شکل مفرد کلمه تغییر می کند؛ مثال:  
 حَديقَة: حَدائق      مِفْتاح: مَفاتيح      طِفْل: أَطفال      عِبْرَة: عِبَر



## التَّمارين

### ١ التَّمْرينُ الأوَّلُ:

ترجمه کنید، سپس «جمع‌های سالم و مکسر» و نیز «مثنی» را معلوم کنید.

١. هُوَلاءِ الطُّلابِ، فائِزونَ في مُسابَقَتَيْنِ: مُسابَقَةِ الحِفظِ وَ مُسابَقَةِ القِراءَةِ.

این دانش آموزان، در دو مسابقه برنده اند: مسابقه حفظ و مسابقه قرانت

٢. هُوَلاءِ الطُّالباتِ، ناجِحاتٌ في مُسابَقَةِ حِفظِ القُرآنِ.

این دانش آموزان در مسابقه حفظ قران برنده اند

٣. في كُتُبِ القِصصِ، عِبَرٌ لِلأَطفالِ وَ الكِبارِ.

در کتاب های قصه، پندهایی برای کودکان و بزرگان است

٤. أولئك الرِّجالُ، جالِسونَ عَلى الكِراسِ.

آن مردان، بر روی صندلی ها نشسته اند

### ٢ التَّمْرينُ الثَّانِي:

در جای خالی کلمه مناسبی از کلمات زیر بنویسید؛ سپس جمله‌ها را ترجمه کنید.

(یک کلمه اضافه است.) لِاعِبَةٍ - مَكْتَبَةٍ - كُرْسِيٍّ - كَنْزٌ - وَرْدَةٌ  
بازیکن کتابخانه صندلی گنج گل



هَذَا، ..... كَنْزٌ ذَهَبِيٌّ.

این، گنجی طلائی است



هَذِهِ، مَكْتَبَةٌ كَبِيرَةٌ.

این، کتابخانه بزرگی است



هذه، وردة جميلة.



هذه، لاعبة ناجحة.

این، گل زیبایی است  
این، بازیکن موفقی است  
کانال عربی متوسطه عیوضی

### التمرین الثالث:

در جای خالی گزینه مناسب بنویسید.

فائزتان ○ فائزان ●

جالس ○ جالسة ●

واقفات ○ واقف ●

مسروران ○ مسرورون ●

لاعبات ○ لاعبون ●

طالبات ○ طالبة ●

فلاحات ○ فلاحون ●

۱. هاتان البنتان **فائزتان** في المسابقة.

این دو دختر در مسابقه برنده اند (شدند)

۲. تلك المرأة **جالسة** على الكرسي.

آن زن بر روی صندلی نشسته است

۳. زهراء و زينب و فاطمة، **واقفات**.

زهرا و زینب و فاطمه ایستاده اند

۴. عباس و هاشم و ميثم **مسرورون**.

عباس و هاشم و میثم خوشحال هستند

۵. اولئك الاولاد، **لاعبون** ممتازون.

آن پسران، بازیکنان ممتازی هستند

۶. نحن **طالبات** المدرسة.

ما دانش آموزان مدرسه هستیم

۷. انتم **فلاحون** ناجحون.

شما کشاورزان موفقی هستید

## نَظَرَةٌ إِلَى الدَّرْسِ الْأَوَّلِ

نگاهی به درس اول - اسم مفرد، مثنی و جمع

مثال	نشانه	عدد و جنس
حافظ یک حافظ مذکر	ندارد	 مفرد مذکر
حافظه یک حافظ مونث	ة	 مفرد مونث
حافظان و حافظین دو حافظ مذکر حافظتان و حافظتین دو حافظ مونث	ان و -ین	  مثنی مذکر مثنی مونث
حافظون، حافظین حافظ های مذکر	ون و ین	 جمع مذکر سالم
حافظات حافظ های مونث	ات	 جمع مونث سالم
حفاظ حافظ ها	ندارد	 جمع مکسر

# در جدول زیر خوب به تعداد اشخاص و دور و نزدیک بودن افراد دقت کنید

اسم اشاره					
آن	ذَلِكَ		این	هَذَا	
	تِلْكَ			هَذِهِ	
آنها	أُولَئِكَ			هَذَانِ	
				هَاتَانِ	
				هُؤُلَاءِ	





# الدَّرْسُ الثَّانِي (کلمه‌های پرسشی: هَلْ؟ أَمْ؟ مَنْ؟ مَا؟ أَيْنَ؟ كَيْفَ؟)

هَلْ هَذِهِ شَجَرَةُ الْعِنَبِ؟ لا؛ هَذِهِ شَجَرَةُ الرُّمَّانِ.  
آیا این درخت انگور است؟ نه، این درخت انار است



کانال آموزش عربی 100 تا 1000

arabi\_7\_8\_9

## الدَّرْسُ الثَّانِي (بخش اول)

الْمُعْجَم: واژه‌نامه (۲۲ کلمه)

انگور	عِنَب:	به جز	إِلَّا:
اتاق	عُرْفَة:	شما (شما دو تن) «مثنى مذکر» و «مثنى مؤنث» دو نفر مذکر دو نفر مؤنث	أَنْتُمَا:
هتل	فُنْدُق:	فروشنده	بَائِع:
نزدیک	قَرِيب:	باغ جمع: بساتین	حَدِيقَة = بُسْتَان:
روستا	قَرْيَة:	دور	قَرِيب ≠ بَعِيد:
کم	قَلِيل:	پاداش	جَزَاء:
بسیار	كَثِير:	سرباز	جُنْدِي:
زبان	لِسَان:	کیف، چمدان «جمع: حَقَائِب» کیف ها	حَقِيبَة:
شهر	مَدِينَة:	چه بسا	رُبَّ:
	آیا	انار	زُمان:
	اینجا	ستون	عَمود:
	هناک: آنجا		

## جَوَاهِرُ الْكَلَامِ

۱. ﴿هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ﴾. الرَّحْمَنُ/۶۰

آیا پاداش نیکی به جز نیکی کردن است؟

۲. الْمُؤْمِنُ قَلِيلُ الْكَلَامِ كَثِيرُ الْعَمَلِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

مؤمن کم سخن و پرکار است (مؤمن کم سخن میگوید و بسیار عمل می کند)

۳. سُكُوتُ الزَّيَانِ سَلَامَةٌ الْإِنْسَانِ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

سکوت زبان سلامتی انسان است (خاموشی زبان، تندرستی انسان است)

۴. رَبُّ كَلَامٍ جَوَابُهُ السُّكُوتُ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

چه بسا کلامی که جوابش سکوت است

۵. أَلْوَقْتُ مِنَ الدَّهَبِ. حِكْمَةٌ

وقت از طلاست

هَلْ؟ أَمْ؟ (آیا) نَعَمْ - لا (بله، نه)

نکته مهم: هر سوالی که با هل و ا پرسیده شود حتما در جواب نعم و نا می آوریم



هَلْ هَذِهِ، شَجَرَةُ الرُّمَّانِ؟

نَعَمْ؛ هَذِهِ، شَجَرَةُ الرُّمَّانِ.

آیا این، درخت انار است

بله این درخت انار است



هَلْ هَذِهِ، حَقِيبَةُ الْمَدْرَسَةِ؟

لا؛ هَذِهِ، حَقِيبَةُ السَّفَرِ.

آیا این، کیف مدرسه است؟

نه، این کیف سفر است



هَلْ هُنَا مَدِينَةٌ؟ آیا اینجا شهر است؟  
لا؛ هُنَا قَرْيَةٌ. نه، اینجا روستا است



أَهَذَا جُنْدِيٌّ؟  
آیا این سرباز است؟  
نَعَمْ؛ هَذَا جُنْدِيٌّ.  
بله این سرباز است



هَلِ الْفُنْدُقُ بَعِيدٌ؟ آیا هتل دور است؟  
هَلِ الْفُنْدُقُ قَرِيبٌ. نه، هتل نزدیک است

«هَلْ» و «أَ» دو کلمهٔ پرسشی به معنای «آیا» هستند که در جواب آنها «نَعَمْ» یا «لا» می‌آید.

پرسش و جواب

## الْتَّمَارِين

### ١ التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ:

با توجّه به تصویر به پرسش‌های زیر پاسخ کوتاه دهید (در یک کلمه).



٢. هَلْ هُنَا مَدِينَةٌ شِيرَاز؟ آیا اینجا شهر شیراز است؟  
..... لَآ (نه)



١. هَلْ هَذِهِ شَجَرَةُ الْعِنَبِ؟ آیا این، درخت انگور است؟  
..... نَعَمْ (بله)



۴. هَلْ هُوَ بَائِعُ الْحَقَائِبِ؟ آیا او فروشنده کیفها است؟  
 ..... لَآ (نه)



۳. هَلْ هُنَا بُسْتَانٌ؟ آیا اینجا باغ است؟  
 ..... نَعَمْ (بله)

Arabi\_7\_8\_9

کانال عربی متوسطه عیوضی

۲ التَّمَرِينُ الثَّانِي:

ترجمه کنید.

بعید و قریب متضاد هستند

۱. الْمَكْتَبَةُ بَعِيدَةٌ وَ الْمَدْرَسَةُ قَرِيبَةٌ.

کتابخانه دور است و مدرسه نزدیک است

اشجار: جمع مکسر شجرة

۲. هَلْ هُنَا أَشْجَارُ الْعِنَبِ وَ الرُّمَّانِ؟ لا.

آیا اینجا درختان انگور و انار است؟ نه

هذه: اسم اشاره مفرد مؤنث

۳. هَلْ فِي هَذِهِ الْمَدِينَةِ فُنُودٌ؟ نَعَمْ.

آیا در این شهر هتل هست؟ بله

ولدان - حاضران - حاضران هر سه اسم مثنی هستند

۴. يَا وَكْدَانِ، أَأَنْتُمْ حَاضِرَانِ؟ نَعَمْ، نَحْنُ حَاضِرَانِ.

ای دو پسر، آیا شما حاضر هستید؟ بله، ما حاضر هستیم



با استفاده از کلمات زیر، جدول را کامل کنید و رمز را به دست بیاورید.  
**اتاق زبان سخن روز تندرستی ستون نماز دانشجویان نزدیک اینجا**  
 غرفة - لسان - كلام - يوم - صحة - عمود - صلاة - طلاب - قريب - هنا -

مجالسة - بعيد - نسيان - اولئك - عداوة  
**همنشینی دور فراموشی آنها دشمنی**  
 رمز

			ن	ا	س	ل	۱
			ا	ل	ط	ب	۲
			ح	ص	ع	ة	۳
			ا	ل	ك	م	۴
			ا	ل	ص	ة	۵
				ة	ر	غ	۶
			م	ع	و	د	۷
				م	و	ی	۸
			ل	و	ا	ك	۹
				د	ع	ب	۱۰
			ن	ا	س	ن	۱۱
			ة	س	ل	م	۱۲
			و	ا	د	ع	۱۳
				ب	ر	ق	۱۴
				ا	ن	ه	۱۵

۱. زبان
۲. دانشجویان
۳. تندرستی
۴. سخن
۵. نماز
۶. اتاق
۷. ستون
۸. روز
۹. آنها
۱۰. دور
۱۱. فراموشی
۱۲. همنشینی
۱۳. دشمنی
۱۴. نزدیک
۱۵. اینجا



رمز: الصلاة عمود الدين

نماز ستون دین است



## الدَّرْسُ الثَّانِي (بخش دوم)

الْمُعْجَم: واژه‌نامه (۲۱ کلمه)

راننده	سائق:	خواهر	أخ ≠ أخت:
آسمان	سَمَاء:	برادر	أخ (أخو):
خودرو	سَيَّارَةٌ:	زمین	سَمَاء ≠ أَرْض:
آقا	سَيِّد:	من	أَنَا: ضمیر
خانم	سَيِّدَةٌ:		
دوست	صَدِيق ≠ عَدُو:	قطعا، به راستی که	إِنَّ:
«جمع: أصدقاء»	صَدِيق:		
مهمان	ضَيْف:	تو «مؤنث»	أَنْتِ: ضمیر
«جمع: ضيوف»			
نویسنده	كاتب:	تو «مذکر»	أَنْتَ: ضمیر
زبان	لُغَةٌ:	شما «جمع مؤنث»	أَنْتُنَّ: ضمیر
چه کسی، چه کسانی	كَلِمَةٌ پرسشی	همنشین بد	جَلِيسُ السُّوءِ:
مالِ چه کسی، مالِ چه کسانی	مَنْ:	بدی، بد	سوء:
	لِمَنْ:		
تنهایی	وَحْدَةٌ:	تلفن همراه	جَوَّال (أَلْهَاتِفُ الْجَوَّالِ):
		شمشیر	حُسام:

## كُنُوزُ الْحِكْمِ

۱. اَلنَّظَافَةُ مِنَ الْاِيْمَانِ، وَ الْاِيْمَانُ وَ صَاحِبُهُ فِي الْجَنَّةِ. رَسُوْلُ اللهِ ﷺ

پاكيزگي از ايمان است، و ايمان و صاحبش در بهشت خواهد بود

۲. اَلْوَحْدَةُ خَيْرٌ مِنْ جَلِيْسِ السَّوْءِ. رَسُوْلُ اللهِ ﷺ

تنهائي بهتر از همنشين بد است

۳. اِنَّ حُسْنَ الْعَهْدِ مِنَ الْاِيْمَانِ. رَسُوْلُ اللهِ ﷺ

بدرستي خوش قولی از ايمان است

۴. اَلْعَجَلَةُ مِنَ الشَّيْطَانِ. الْاِمَامُ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

عجله از جانب شيطان است

۵. رَبُّ كَلَامٍ كَالْحُسَامِ. الْاِمَامُ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

چه بسا سخني كه مانند شمشير است

مال چه کسی؟ مال چه کسانی؟

لِمَنْ؟



مَنْ هِيَ؟ او چه کسی است؟

هي عالمة إيرانية.

او دانشمند ایرانی است

چه کسی؟ چه کسانی؟

مَنْ؟



مَنْ هُوَ؟ او چه کسی است؟

هو مُحَمَّدُ بْنُ زَكَرِيَّا الرَّازِيُّ.

او محمد بن زکریای رازی است

مفهوم رنگ ها

اسم اشاره

کلمه پرسشی

ضمیر



نماد پایداری بانوان ایرانی  
در دفاع مقدس

این زن چه کسی است؟ **مَنْ هَذِهِ الْمَرْأَةُ؟**

او رزمنده است. **هِيَ مُجَاهِدَةٌ.**



این دانشمند چه کسی است؟ **مَنْ هَذَا الْعَالِمُ؟**

او ابوریحان است. **هُوَ أَبُو رِيحَانَ.**



آن ماشین مال چه کسی است؟ **لِمَنْ تِلْكَ السَّيَّارَةُ؟**

برای مدیر مدرسه. **لِمُدِيرِ الْمَدْرَسَةِ.**



این کیف مال چه کسی است؟ **لِمَنْ هَذِهِ الْحَقِيْبَةُ؟**

برای مریم (مال مریم) **لِمَرِيْمٍ.**



تو چه کسی هستی؟ **مَنْ أَنْتِ؟**

من مدیر کتابخانه هستم. **أَنَا مُدِيرَةُ الْمَكْتَبَةِ.**



تو چه کسی هستی؟ **مَنْ أَنْتَ؟**

من مدیر کتابخانه هستم **أَنَا مُدِيرُ الْمَكْتَبَةِ.**

«مَنْ» به معنای «چه کسی» و «چه کسانی» است؛ مثال:

- مَنْ أَسْتَاذُ اللُّغَةِ الْفَارْسِيَّةِ؟  
استاد زبان فارسی چه کسی است؟
- مَنْ أَسْتَاذَةُ اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ؟  
استاد زبان عربی چه کسی است؟
- أَلْسَيِّدُ أَكْبَرِي. آقاي اكبرى
- أَلْسَيِّدَةُ شَفِيعِي. خانم شفيعى

## الْتَّمَارِينُ

### ١ التَّمَرِينُ الْأَوَّلُ:

پاسخ هر پرسش کدام است؟



- او چه کسی است؟  
او شاعر ایرانی است  
بله او شاعر است

٢. مَنْ هُوَ؟  
هو شاعر ایرانی.  
نعم؛ هو شاعر.



- این زن چه کسی است؟  
او مهمان است  
او نویسنده است
١. مَنْ هَذِهِ الْمَرْأَةُ؟  
هو ضیف.  
هي كاتبة.



مرقد مولوی در ترکیه



۴. لِمَنْ هَذَا الْمَرَقَدُ؟ این مرقد مال چه کسی است؟

- لِمَوْلَانَا جَلَالِ الدِّينِ. برای مولانا جلال الدین
- هَذَا جَلَالِ الدِّينِ. این جلال الدین است

۳. مَنْ هِيَ؟ او چه کسی است؟

- هِيَ لِاعْبَةِ مُحَجَّبَةٍ. او بازیکن با حجابی است
- هِيَ جُنْدِيَّةٌ شُجَاعَةٌ. او سرباز شجاعی است

## ۲. التَّمْرِينُ الثَّانِي:

ترجمه کنید.

۱. ﴿مَنْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾. الرَّعْدُ/ ۱۶

پروردگار آسمان ها و زمین چه کسی است؟

۲. لِمَنْ ذَلِكَ الْجَوَالُ الْجَمِيلُ؟ - لِلسَّيِّدِ أَخْلَاقِي.

آن تلفن همراه زیبا مال چه کسی است؟ برای آقای اخلاقی

۳. مَنْ هَذِهِ الْبِنْتُ الصَّغِيرَةُ؟ - هِيَ أُخْتُ سِينَا.

این دختر کوچکی چه کسی است؟ او خواهر سینا است

۴. مَنْ فِي الْعُرْفَةِ؟ - الضُّيُوفُ فِي الْعُرْفَةِ.

در اتاق چه کسی است؟ مهمانها در اتاق هستند

۵. مَنْ أَنْشَأَ يَا بَنَاتُ؟ - نَحْنُ طَالِبَاتُ ذَلِكَ الصَّفِّ.

ای دخترها شما چه کسانی هستید؟ ما دانش آموزان آن کلاس هستیم

### ۳ التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ:

گزینۀ مناسب را انتخاب کنید.

کتاب عربی متوسطه عیوضی

- |  |  |   |
|--|--|---|
| <p>● <b>أنا</b> صَدِيقَةُ زَيْنَبٍ<br/>من دوست زینب هستم</p> <p>● <b>أنت</b> صَدِيقٌ حَامِدٍ<br/>تو دوست حامد هستی</p> <p>● <b>أنت</b> سَائِقَةُ السَّيَّارَةِ<br/>تو راننده ماشین هستی</p> <p>● <b>هو</b> أَخُو ثَرِيًّا<br/>او برادر ثریا است</p> <p>● <b>طالِبَتَانِ</b> عَزِيزَتَانِ<br/>دو دانش آموز عزیز</p> | <p>● <b>أنت</b> صَدِيقٌ حَامِدٍ<br/>تو دوست حامد هستی</p> <p>● <b>لِتِلْكَ</b> الطَّالِبَةِ<br/>برای آن دانش آموز</p> <p>● <b>هو</b> سَائِقُ السَّيَّارَةِ<br/>او راننده ماشین است</p> <p>● <b>هي</b> أختٌ ثَرِيًّا<br/>او خواهر ثریا است</p> <p>● <b>طالِبٌ</b> عَزِيزٌ<br/>دانش آموزی عزیز</p> | <p>۱. <b>مَنْ</b> أَنْتَ يَا بِنْتُ؟<br/>ای دختر تو چه کسی هستی؟</p> <p>۲. <b>لِمَنْ</b> هَذَا الْقَلَمُ؟<br/>این قلم مال چه کسی است؟</p> <p>۳. <b>مَنْ</b> ذَلِكَ الرَّجُلُ؟<br/>آن مرد چه کسی است؟</p> <p>۴. <b>مَنْ</b> تِلْكَ الْبِنْتُ؟<br/>آن دختر چه کسی است؟</p> <p>۵. <b>أنت</b> ..... يَا وَكِدٌ.<br/>تو ..... ای پسر</p> |
|--|--|---|

### ۴ التَّمْرِينُ الرَّابِعُ:

به پرسش‌های زیر پاسخ کوتاه دهید (در یک یا دو کلمه).

در جای خالی اسم آقا مدیر یا خانم مدیر را بنویسید

۱. **مَنْ** مُدِيرُ الْمَدْرَسَةِ؟ (**مَنْ** مُدِيرَةُ الْمَدْرَسَةِ؟)  
مدیر مدرسه چه کسی است؟  
..... سید / سیده
۲. **هَلْ** الْوَحْدَةُ خَيْرٌ مِنْ جَلِيسِ السَّوِّءِ؟  
آیا تنهایی بهتر از همنشین بد است؟  
..... نَعَمْ
۳. **مَنْ** أَنْتَ؟ (**مَنْ** أَنْتِ؟)  
تو چه کسی هستی؟  
..... **أنا** طالِبٌ / **أنا** طالِبَةٌ
۴. **مَنْ** خَالِقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ؟  
آفریننده آسمانها و زمین چه کسی است؟  
..... الله
۵. **مَنْ** مُدْرَسُ اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ؟ (**مَنْ** مُدْرَسَةُ اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ؟)  
معلم زبان عربی چه کسی است؟  
..... سید / سیده
- در جای خالی اسم آقا معلم یا خانم معلم را بنویسید





## الدَّرْسُ الثَّانِي (بخش سوم)

الْمُعْجَم: واژه‌نامه (۲۱ کلمه)

فَاعِلٌ + هـ	انجام دهنده اش	فَاعِلُهُ:	برتر، برترین	أَفْضَلُ:	
چه، چه چیز، چیست	کلمات پرسشی ما، ماذا:		به، به سوی، تا	إِلَى:	
مدارا کردن	مُدَارَاةُ:	مادر «جمع: أُمَّهَاتُ» مادران		أُمُّ:	آب: پدر
میز	مِنْصَدَّةُ:	سودمندترین		أَنْفَعُ:	
مردم	نَاسٌ:	خانه		بَيْتٌ:	
زنان	نِسَاءٌ:	اطراف		عِنْدَ = حَوْلَ:	
شان، - آنان «جمع مذکر» سودمندترینشان	هُمُّ: أَنْفَعُهُمْ:	چرخیدن		دَوْرَانُ:	
مَمٌ - من مادرم	يَ: أُمِّي:	ارزان		غَالِيَةٌ ≠ رَخِيصَةٌ:	
چپ	يَسَارٌ:	بنده		عَبْدٌ:	
راست	يَمِينٌ:	زندگی	عَيْشٌ = حَيَاةٌ	موت ≠ عَيْشٌ:	
		گران، ارزشمند		رَخِيصَةٌ ≠ غَالِيَةٌ:	

## كَنْزُ النَّصِيحَةِ

۱. أَفْضَلُ النَّاسِ أَنْفَعُهُمْ لِلنَّاسِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

برترین مردم، سودمندترین نشان برای مردم است

الخير ≠ الشر كثير ≠ قليل

۲. الْخَيْرُ كَثِيرٌ وَفَاعِلُهُ قَلِيلٌ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

خوبی بسیار و انجام دهنده اش کم است

۳. الْإِنْسَانُ عَبْدٌ الْإِحْسَانِ. الْأَمَامُ عَلِيُّ ع

انسان بنده نیکی کردن است

۴. بَلَاءُ الْإِنْسَانِ فِي لِسَانِهِ. الْأَمَامُ عَلِيُّ ع

بیلای انسان در زیباتش است

۵. سَلَامَةُ الْعَيْشِ فِي الْمُدَارَةِ. الْأَمَامُ عَلِيُّ ع

سلامت زندگی در مدارا کردن است

مفهوم رنگ ها

اسم اشاره

کلمه پرسشی

ضمیر



ما هَذِهِ؟

این چیست؟

هَذِهِ هَدِيَّةٌ لِأُمِّي.

این، هدیه ای برای مادرم است

ما؟

چه، چه چیز، چیست؟



ما هَذَا؟

این چیست؟

هَذَا، مِفْتَاحُ بَيْتِكَ.

این کلید خانه ات است

مفهوم رنگ ها

اسم اشاره

کلمه پرسشی

ضمیر



ما معنی هذه العلامه؟  
معنی این علامت چیست؟  
الدوران إلى اليسار ممنوع.

چرخیدن به چپ ممنوع است



ما معنی هذه العلامه؟  
معنی این علامت چیست؟  
الدوران إلى اليمين ممنوع.

چرخیدن به راست ممنوع است

«ما» و «ماذا» برای پرسش از «چیستی» است؛ مثال:

ما المشكل؟ ما اسمك؟ ما الخبر؟ ماذا هنا؟  
مشکل چیست؟ اسمت چیست؟ چه خبر؟ اینجا چه چیزی است؟

این جمله ها را ترجمه کنید.

ما اللغة الرسمية في إيران؟ - الفارسیة. زبان رسمی در ایران چیست؟... فارسی

ماذا على المنصدة؟ - جوال أمي چه چیزی بر روی میز است؟... گوشی مادرم

ما حول البيت؟ - عمود كبير. اطراف خانه چه چیزی است؟... ستونی بزرگ

## التَّمارِين

### ١ التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ:

به پرسش‌های زیر پاسخ کوتاه دهید. (در یک کلمه)



٢. ما تِلْكَ عَلَى الْجَبَلِ؟ بر روی کوه چه چیزی است؟  
الشَّجَرَةُ



١. ما ذَٰلِكَ؟  
عمودٌ كَبِيرٌ



٤. ما هَذِهِ؟ این چیست؟  
هَذِهِ مَنضَدَةٌ



٣. ما هَذَا؟  
هَذَا عِنَبٌ

## ۲ التَّمْرِينُ الثَّانِي:

ترجمه کنید.

۱. ما هاتان؟ - هاتان، هديتان غاليتان.

این دو چیست؟ این دو، دو هدیه ارزشمند است

۲. ما هذه؟ - هذه، جائزة ذهبية للفائز الأول.

این چیست؟ این، جایزه طلایی برای برنده اول (نفر اول) است

۳. ماذا في تلك السيارة الكبيرة؟ - حقائب المسافرين.

در آن ماشین بزرگ چه چیزی است؟ جمدان های مسافران

## ۳ التَّمْرِينُ الثَّالِثُ:

متضاد کلمات زیر کدام است؟

خوب - ارزان بسیار نشستہ جماعت دور  
حُسن - رَخِيصَة - كَثِير - جَالِس - جَمَاعَة - بَعِيد

نزدیک - قَرِيب ≠ بَعِيد - قَلِيل ≠ كَثِير - وَحْدَة ≠ جَمَاعَة

ایستاده - وَاقِف ≠ جَالِس - بِد = حُسن - غَالِيَة ≠ رَخِيصَة

## ۴ التَّمْرِينُ الرَّابِعُ:

معادل مؤنث هر کلمه را از میان کلمات زیر پیدا کنید و بنویسید.

دختر دختران زن زن این تو او خواهر این دو آن  
أَبْنَت - أَلْبَنَات - أَلْمَرْأَة - أَلنِّسَاء - هَذِهِ - أَنْتِ - هِيَ - الْأَخْت - هَاتَانِ - تِلْكَ  
مرد مردن پسر  
أَلرَّجُل - أَلْمَرْأَة - أَلْوَلَد: أَلْبَنَت - أَلرَّجَال: أَلنِّسَاء - أَلْأَوْلَاد: أَلْبَنَات - أَنْتِ: أَنْتِ  
این این دو هاتان هذان هاتان الأخ: الأخت هو: هي

## الدَّرْسُ الثَّانِي (بخش چهارم)

الْمُعْجَم: واژه‌نامه (۲۳ کلمه)

بر تو باد!، بر تو لازم است.	عَلَيْكَ بِ:	پاها «مفرد: قَدَم» پا	جمع مکسر أَقْدَام:
بالا، روی	فَوْقَ:	روبه‌رو	أَمَامَ:
نزدیک به قَرِيبٌ ≠ بَعِيدٌ	قَرِيبٌ مِنْ:	کجا اهلِ کجا، از کجا	کلمه پرسشی أَيْنَ: مِنْ أَيْنَ:
پیراهن	قَمِيصَ:	در «جمع: أَبْوَاب» درها	باب:
یتان، - شما «جمع مذکر» کتابکم: کتابتان/کتاب شما	كُمُ:	گاو	بَقَرَةٌ:
یتان، - شما «مثنیٰ مذکر» و «مثنیٰ مؤنث» کتابکم: کتابتان/کتاب شما	كُما:	زیر	فوق ≠ تَحْتَ:
یتان، - شما «جمع مؤنث» کتابکن: کتابتان/کتاب شما	كُنَّ:	کنار	عِنْدَ = جَنْبَ:
با، همراه	مَعَ:	پشت	وَرَاءَ = خَلْفَ:
پشت	خَلْفَ = وَرَاءَ:	شلوار	سِرْوَال:
آنجا هُنَا: اینجا	هُنَاكَ:	کشتی	سَفِينَةٌ:
دست	يَدَ:	سمت چپ	عَلَى الْيَسَارِ:
		سمت راست	عَلَى الْيَمِينِ:

یَمین ≠ یَسَار



مفهوم رنگ ها ←

اسم های اشاره

کلمات پرسشی

اسم های جمع

مفرد: حکمة

أَلْحِكْمُ النَّافِعَةُ

حکمت های سودمند

مفرد: عمل

مفرد: نية  
بِالْأَعْمَالِ بِالنِّيَّاتِ

رسول الله ﷺ

کارها با نیت ها است

۲. عَلَيْكَ بِمُدَارَةِ النَّاسِ. رسول الله ﷺ

بر تو لازم است مدارا کردن با مردم / تو باید با مردم مدارا کنی

۳. حُسْنُ الْخُلُقِ نِصْفُ الدِّينِ. رسول الله ﷺ

خوش اخلاقی نصف دین است

مفرد: قدم  
مفرد: آم  
۴. أَلَجَنَّةُ تَحْتَ أَقْدَامِ الْأَمَّهَاتِ. رسول الله ﷺ

بهشت زیر پاهای مادران است

۵. يَدُ اللَّهِ مَعَ الْجَمَاعَةِ. الإمام علي عليه السلام

دست خدا همراه جماعت است

أَيْنَ؟ كجا



أَيْنَ الرَّجُلُ؟

تَحْتَ السَّيَّارَةِ.

مرد کجاست؟

زیر ماشین



أَيْنَ السَّفِينَةُ؟

کشتی کجاست؟  
فِي الْخَلِيجِ الْفَارْسِيِّ.

در خلیج فارس

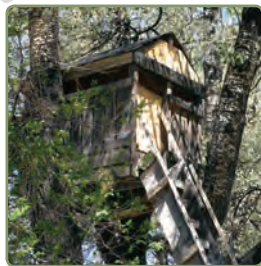


أَيْنَ الْوَلَدُ؟

خَلْفَ الْأَبَابِ.

پسر کجاست؟

پشت در



أَيْنَ الرَّجُلُ؟ مرد کجاست؟

بَيْنَ السَّيَّارَتَيْنِ. بین دو ماشین

أَيْنَ الْبَيْتِ؟

خانه کجاست؟  
فَوْقَ الشَّجَرَةِ.

بالای درخت

مرد کجاست؟

أَيْنَ الرَّجُلُ؟  
روبروی در خانه أمامَ بابِ الْبَيْتِ.



أَيْنَ الزَّرَافَةُ؟

وَرَاءَ الشَّجَرَةِ.

زرافه کجاست؟

پشت درخت

أَيْنَ الطِّفْلُ؟

عِنْدَ أُمِّهِ.

بچه کجاست؟

نزد مادرش

أَيْنَ الْقَمِيصِ وَالسَّرْوَالِ؟

فِي الْحَقِييَةِ.

پیراهن و شلوار کجاست؟

داخل کیف

۱. در پاسخ به «أَيْنَ» از چنین کلماتی استفاده می‌کنیم:

فَوْقَ، تَحْتَ، أَمَامَ، خَلْفَ (وَرَاءَ)، جَنْبَ، عِنْدَ، حَوْلَ، بَيْنَ، فِي، عَلَى، عَلَى الْيَمِينِ، عَلَى الْيَسَارِ، هُنَا، هُنَاكَ

۲. برای اینکه از کسی بپرسیم «شما اهل کجا هستید؟» از اصطلاح «مِنْ أَيْنَ؟» استفاده می‌کنیم؛



مِنْ أَيْنَ أَنْتِ؟

- أَنَا مِنْ مِصْرَ. (أَنَا مِصْرِيَّةٌ.)

مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟

- أَنَا مِنْ مِصْرَ. (أَنَا مِصْرِيٌّ.)

اکنون به یکی از دو پرسش زیر پاسخ دهید.

- مِنْ أَيْنَ أَنْتِ؟ - أَنَا مِنْ إِيْرَانِ . . . . . أَنَا إِيْرَانِيَّةٌ . . . . .

- مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟ - أَنَا مِنْ إِيْرَانِ . . . . . أَنَا إِيْرَانِيٌّ . . . . .

۳. اصطلاح «عَلَيْكَ بِ» به معنای «بر تو لازم است»، «تو باید» است؛ مثال:

عَلَيْكَ بِالْحُرُوجِ = بر تو لازم است خارج شوی. تو باید خارج شوی.

ترجمه این جمله‌ها چیست؟

بر شما لازم است با مردم مدارا کنید  
شما باید با مردم مدارا کنید

بر شما لازم است دوستان را دوست بدارید  
شما باید دوستان را دوست بدارید

بر شما لازم است قرآن بخوانید  
شما باید قرآن بخوانید

عَلَيْكَ بِالشُّكْرِ. . . . .

بر تو لازم است شکر کنی / تو باید شکر کنی

عَلَيْكَ بِالصَّبْرِ. . . . .

بر تو لازم است صبر کنی / تو باید صبر کنی

عَلَيْكُمْ بِالْإِحْسَانِ. . . . .

بر تو لازم است نیکی کنی / تو باید نیکی کنی

١ التَّمْرينُ الأوَّلُ:

با توجّه به تصویر به پرسش‌های زیر پاسخ کوتاه دهید.



أَيْنَ البَيْتَانِ؟ دو تا خانه کجا هستند؟  
فوقَ الجَبَلِ ..... روی کوه  
جَنبَ البَحْرِ کنار دریا

أَيْنَ البَقْرَةَ؟ گاو کجاست؟  
جَنبَ الشَّجَرَةِ کنار درخت  
تَحْتَ الشَّجَرَةِ زیر درخت

٢ التَّمْرينُ الثَّانِي:

ترجمه کنید.

کتابخانه کجاست؟ ..... در سمت راست

١. أَيْنَ المَكْتَبَةِ؟ - عَلَى اليَمِينِ.

باغ کجاست؟ ..... در سمت چپ

٢. أَيْنَ البُسْتَانِ؟ - عَلَى اليَسَارِ.

اهل کجایی تو؟ ..... من اهل يمن هستم

٣. مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟ - أَنَا مِنَ اليَمَنِ.

کلید کجاست؟ ..... آنجا، بر روی در

٤. أَيْنَ المِفْتَاحِ؟ - هُنَاكَ؛ عَلَى البَابِ.

شهر بدره کجاست؟ ..... نزدیک به ایلام

٥. أَيْنَ مَدِينَةُ بَدْرَةَ؟ - قَرِيبَةً مِنْ إِيْلَامِ.

### ٣ التَّمَرِينُ الثَّالِثُ:

با توجّه به تصویر به پرسش‌ها پاسخ کوتاه دهید.

١. أَيْنَ الْوَلَدُ؟ **پسر کجاست؟** جَنَبَ الْبَقْرَةِ **کنار گاو**

٢. أَيْنَ السَّيَّارَةُ؟ **ماشین کجاست؟** تَحْتَ الشَّجَرَةِ **زیر درخت**

٣. أَيْنَ الرَّجُلُ؟ **مرد کجاست؟** فِي السَّيَّارَةِ **داخل ماشین**

٤. أَيْنَ الْمَرْأَةُ؟ **زن کجاست؟** وَرَاءَ الْمُنْضَدَةِ **پشت میز**

٥. مَاذَا عَلَي السَّيَّارَةِ؟ **چه چیزی بر روی ماشین است؟** الْحَقِيْبَةَ **کیف**





## الدَّرْسُ الثَّانِي (بخش پنجم)

الْمُعْجَم: واژه‌نامه (۲۴ کلمه)

پنج	عدد اصلي خَمْسَةَ:	دوازده	عدد اصلي اِثْنَا عَشَرَ:
هفت	عدد اصلي سَبْعَةَ:	دو	عدد اصلي اِثْنَان:
شش	عدد اصلي سِتَّةَ:	یازده	عدد اصلي اَحَدَ عَشَرَ:
بیست و شش	عدد اصلي سِتَّةَ وَ عِشْرُونَ:	چهار	عدد اصلي اَرْبَعَةَ:
ماه «جمع: شهور»	شَهْر: قَمَر: ماه آسمان	هفته	اُسْبُوع:
ده	عَشْرَةَ:	کسی که، که	الَّذِي:
چند، چقدر	کلمه پرسشی كَمْ:	دریاها دریا «جمع: بِحَار»	بَحْر:
قرآن	مُصْحَف:	نه	عدد اصلي تِسْعَةَ:
آتش	نار:	سه	عدد اصلي ثَلَاثَةَ:
نگاه	نَظَر:	هشت	عدد اصلي ثَمَانِيَةَ:
درد	وَجَع:	گذرنامه	جَوَاز (جَوَازُ السَّفَر):
چهره	وَجْه:	آفرید	خَلَقَ:



اَلْمَوَاعِظُ الْعَدَدِيَّةُ بِنَدِ هَايِ عَدَدِي

۱. اَلنَّظْرُ فِي ثَلَاثَةِ اَشْيَاءٍ، عِبَادَةٌ: نگاه به سه چیز عبادت است

«النَّظْرُ فِي الْمُصْحَفِ» وَ «النَّظْرُ فِي وَجْهِ الْوَالِدَيْنِ» وَ «النَّظْرُ فِي الْبَحْرِ».

نگاه به قرآن      نگاه به صورت پدر و مادر      و      نگاه به دریا

۲. اَرْبَعَةٌ قَلِيلُهَا كَثِيرٌ: «الْفَقْرُ وَ الْوَجْعُ وَ الْعِدَاوَةُ وَ النَّارُ».

چهار چیز، اندکش بسیار است: فقر، درد، دشمنی، آتش

۳. خَمْسَةُ اَشْيَاءٍ، حَسَنَةٌ فِي النَّاسِ: «الْعِلْمُ وَ الْعَدْلُ وَ السَّخَاوَةُ وَ الصَّبْرُ وَ الْحَيَاءُ».

پنج چیز در مردم نیکو است: علم، عدالت، بخشنندگی، شکیبایی و حیا

گَم؟ چنَد؟، چنَدَر؟



گَم جَوَّالاً هُنَا؟  
ثَلَاثَةٌ.

چند تلفن همراه اینجا است؟ سه



گَم يَوْمًا اَيَّامَ الْاَسْبُوعِ؟  
سَبْعَةٌ.

روزهای هفته چند روز است؟ هفت



گَم غَوَاصًا فِي هَذِهِ  
الصُّورَةِ؟ اَرْبَعَةٌ.

چند غواص در این عکس است؟ چهار



گَم لِاعْبَاءٍ فِي الصُّورَةِ؟  
سَبْعَةٌ.

چند بازیکن در عکس است؟ شش



گَم سِرْوَالاً هُنَا؟  
ثَمَانِيَةٌ.

چند شلوار اینجا است؟ هشت



گَم عَدَدُ الْمَفَاتِيحِ؟  
خَمْسَةٌ.

تعداد کلیدها چند تا است؟ پنج  
۱. هر سه حدیث از رسول الله ﷺ است.

۱. عددهای اصلی:
۱. واحد ۲. اثنان ۳. ثلاثة ۴. أربعة ۵. خمسة ۶. ستة  
 ۷. سبعة ۸. ثمانية ۹. تسعة ۱۰. عشرة ۱۱. أحد عشر ۱۲. اثناعشر

۲. کلمه پرسشی «گم» به معنای «چند» است؛ مثال:

**گم جوازاً على المنصدة؟ - عشرة.** چند گذرنامه روی میز است؟ ده

## التمارين

### ۱ التمرين الأول:

گزینه درست کدام است؟

۱. **گم أسبوعاً في الشهر؟**  
 چهار  أربعة  
 ده  عشرة  
 دو  اثنان  
 شش  ستة
۲. **گم صفاً في المرحلة الابتدائية؟**  
 چند کلاس در مرحله ابتدایی است؟

### ۲ التمرين الثاني:

ترجمه کنید.

۱. **هو الذي خلق السماوات والأرض في ستة أيام.** هود: ۷

او کسی است که آسمان ها و زمین را در شش روز آفرید

۲. **إن عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا.** النِّوَة: ۳۶

قطعا تعداد ماه ها نزد خداوند دوازده ماه است

۳. **گم يوماً أنت في السفر؟** - تقريباً تسعة أيام

تو چند روز در سفر هستی؟ تقریباً نه ماه

## الْقُرْآنِيَّات

بخوانید و ترجمه کنید.

۱. - سِتَّةَ وَعِشْرُونَ نَبِيًّا.  
بیست و شش پیامبر



۱. گم عَدَدُ الْأَنْبِيَاءِ فِي الْقُرْآنِ؟  
تعداد پیامبران در قرآن چند تا است؟

۲. - خَمْسُ سُورٍ  
پنج سوره



۲. گم سُوْرَةٌ بِاسْمِ الْحَيَوَانَاتِ فِي الْقُرْآنِ؟  
چند سوره با نام حیوانات در قرآن است؟



۳. گم عَدَدُ السَّجَدَاتِ الْوَاجِبَةِ فِي آيَاتِ الْقُرْآنِ؟  
تعداد سجده های واجب در قرآن چندتا است؟

- أَرْبَعُ سَجَدَاتٍ  
چهار سجده



۱. ارزشیابی از عددی مشابه «سِتَّةَ وَعِشْرُونَ» از اهداف کتاب نیست.

بچه ها به جدول زیر تمامی کلمات پرسشی که در درس قبل خواندیم، یکجا آورده شده است

پس خوب نگاه کنید و یاد بگیرید

برای مطالعه دانش آموز در خانه

## نَظَرَةٌ إِلَى الدَّرْسِ الثَّانِي

نگاهی به درس دوم

### کلمات پرسشی

مثال	کلمه پرسشی	
هَلْ هَذَا جُنْدِيٌّ؟ (أَهَذَا جُنْدِيٌّ؟) - نعم؛ هَذَا جُنْدِيٌّ.	أَ، هَلْ: آیا	
مَنْ هُوَ؟ - هُوَ مُدِيرُ الْمَدْرَسَةِ.	مَنْ: چه کسی، کیست، چه کسانی	
لِمَنْ هَذِهِ الْحَقِيْبَةُ؟ - هَذِهِ الْحَقِيْبَةُ، لِصَدِيقَتِي.	لِمَنْ: مالِ چه کسی	

کلمات پرسشی

مثال	کلمه پرسشی	
<p>ما هَذَا؟ - ذَلِكْ قَلَمٌ.</p>	<p>ما، ماذا: چیست، چه چیزی</p>	
<p>مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟ - مِنْ هَمْدَانَ.</p>	<p>أَيْنَ: کجا</p>	
<p>كَمْ طَالِبًا فِي الصَّفِّ؟ - عَشْرَةٌ.</p>	<p>كَمْ: چند</p>	





## الدَّرْسُ الثَّلَاثُ (ضمیر)

كَيْفَ حَالِكِ؟ أَنَا بِخَيْرٍ وَ كَيْفَ أَنْتِ؟

حالت چطور است؟ من خوبم تو چطور هستی؟



**ضمیر** کلمه ای است که به جای اسم می نشیند تا از تکرار آن جلوگیری کند  
به دو جمله زیر دقت کنید.

**علی** کتاب **علی** را برداشت، **علی** می خواست مطالعه کند .

**علی** کتابش را برداشت، او میخواست مطالعه کند .

بنظر شما کدام جمله صحیح است؟ آفرین درست حدس زدید، در حقیقت (ش و او) با آمدن در جمله از تکرار اسم (علی) جلوگیری کردند





## الدَّرْسُ الثَّلَاثُ

الْمُعْجَم: واژه‌نامه (۱۸ کلمه)

والدة = أم

والد = أب (أبو):

گفت وگو	حوار:	پدر	أحد:
جمع مکسر: شوارع	خیابان	یکی از، کسی	أُسْرَة:
صبح به خیر	صَبَاحُ الْخَيْرِ، صَبَاحُ النَّوْرِ:	خانواده	الَّتِي:
خداحافظ	فِي أَمَانِ اللَّهِ:	که، کسی که	إِلَى الْلِقَاءِ:
چطور <b>کلمه پرسشی</b>	كَيْفًا:	به امید دیدار	أَنَا بِخَيْرٍ:
به سلامت	مَعَ السَّلَامَةِ:	خوبم	نحن بخیر: ما خوبیم
مان، ما <b>ضمیر متصل</b>	نَا: فَنَدَقْنَا:	خوش آمدید	أَهْلًا وَ سَهْلًا بِكُمْ:
پایان <b>نهایه ≠ بدایه</b>	نَهَايَة:	کدام، چه	کلمه پرسشی <b>أَيَّ:</b>
شان، آنها، آن دو وَجْهَيْهِمَا: صورتشان	هُمَا: <b>ضمیر متصل</b>	پدر بزرگ مادر بزرگ	جَدَّ: جَدَّة:

گفت گوی بین دو پسر

جَوَارٌّ بَيْنَ وَالدَّيْنِ



حمید:

سَمیر:

- أَهْلًا وَ سَهْلًا بِكَ صَبَاحَ الْخَيْرِ. - صَبَاحَ النُّورِ. صَبِحَ بَخِير

- كَيْفَ حَالُكَ؟ - كَيْفَ حَالُكَ؟  
خوش آمدید، صبح بخیر  
حالت چطور است؟

- أَنَا بِخَيْرٍ؛ مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟ - أَنَا مِنْ إِيْرَانِ وَ مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟  
من خوبم، از کجایی تو؟  
من از ایرانم، تو از کجایی؟

- أَنَا مِنَ الْعِرَاقِ؛ هَلْ أَنْتَ مِنْ مَشْهَدٍ؟ - لَا؛ أَنَا مِنْ مَازَنْدَرَانَهِ مِنْ اَز مَازَنْدَرَانَ هَسْتَم  
من از عراق هستم، آیا تو از مشهد هستی؟  
من از بصره هستم

- وَ أَنَا مِنَ الْبَصْرَةِ. - مَا اسْمُكَ؟  
اسم من چیست؟  
اسم من سمیر است، اسم تو چیست؟

- اسْمِي سَمِيرٌ وَ مَا اسْمُكَ؟ - اسْمِي حَمِيدٌ.  
اسم من سمیر است، اسم تو چیست؟  
اسم من حمید است



- أَيْنَ أُسْرَتُكَ؟

خانواده ات کجاست؟

- هُمْ جَالِسُونَ هُنَاكَ. أَنهَا أَنجَا نَشِئْتَهُ ائِد

ذَلِكَ أَبِي وَ تِلْكَ أُمِّي. آن پدرم و آن مادرم است

ذَلِكَ جَدِّي وَ تِلْكَ جَدَّتِي.

- فِي نِهَائِي هَذَا الشَّارِعِ. آن پدر بزرگم و آن مادر بزرگم است در پایان این خیابان.

- ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ. سه روز

- هُوَ أَخِي. او برادرم است

- اسْمُهُ جَعْفَرٌ. اسمش جعفر است

- إِلَى اللِّقَاءِ مَعَ السَّلَامَةِ. به امید دیدار. به سلامت

- أَيْنَ فُنْدُقُكُمْ؟ هتلتان کجاست؟

- كَمْ يَوْمًا أَنْتُمْ فِي كَرْبَلَاءَ؟ شما چند روز در کربلاء هستید؟

- مَنْ هَذَا الْوَلَدُ؟ این پسر کیست؟

- مَا اسْمُهُ؟ اسمش چیست؟

- فِي أَمَانِ اللَّهِ. خداحافظ

## الْتَّمَارِين

### ١ التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ:

با توجه به متن درس، پاسخ صحیح و غلط را معلوم کنید.

صحيح غلط



١. سمير من مصر. سمير از مصر است



٢. جعفر أخو حميد. جعفر برادر حميد است



٣. حميد من مازندران. حميد از مازندران است



٤. أسرة حميد في كربلاء أربعة أيام. خانواده حميد چهار روز در كربلاء هستند



٥. فندق أسرة حميد في بداية الشارع. هتل خانواده حميد در ابتدای خیابان است





۲. **أَيُّ** سُوْرَةٍ بِاسْمِ **أَحَدِ** الْفَلَزَاتِ؟ - سُوْرَةُ «الْحَدِيدِ».  
**كدام سُوْرَةٍ بِه اسم يَكِي آرز ها هست؟** **سُوْرَةُ حَدِيدِ (اهن)**



۳. ما هِيَ السُّوْرَةُ الَّتِي بِاسْمِ امْرَأَةٍ؟ - سُوْرَةُ «مَرْيَمَ».  
**سُوْرَةُ اِي كِه بِه نام يَك زن ميباشد، چيست؟** **سُوْرَةُ مَرْيَمَ**



## نَظَرَةٌ إِلَى الدَّرْسِ الثَّالِثِ

نگاهی به درس سوم

ضمیرهای مُنْفَصِل			
عربی			فارسی
أنا		أنا	من
أنا فَائِزَةٌ.		أنا فَائِزَةٌ.	اول شخص مفرد
من برنده هستم			
أنتَ (مفرد مذکر)	أنتِ (مفرد مؤنث)	أنتَ نَاجِحٌ.	أنتِ نَاجِحَةٌ.
تو		تو موفق هستی	دوم شخص مفرد
هوَ (مفرد مذکر)	هِيَ (مفرد مؤنث)	هوَ جَمِيلٌ.	هِيَ جَمِيلَةٌ.
او		او زیباست	سوم شخص مفرد
نَحْنُ	نَحْنُ	نَحْنُ وَاقِفُونَ.	نَحْنُ وَاقِفَاتٌ.
ما		ما ایستاده ایم	ما ایستاده ایم
أنتُم (جمع مذکر)	أنتُنَّ (جمع مؤنث)	أنتُم مَسْرُورُونَ.	أنتُنَّ مَسْرُورَاتٌ.
شما		شما خوشحال هستید	شما خوشحال هستید
هُم (جمع مذکر)	هُنَّ (جمع مؤنث)	هُم جَالِسُونَ.	هُنَّ جَالِساتٌ.
ایشان		آنها نشسته اند	آنها نشسته اند
هُم (جمع مذکر)	هُنَّ (جمع مؤنث)	هُم جَالِسُونَ.	هُنَّ جَالِساتٌ.
ایشان		آنها نشسته اند	آنها نشسته اند

۱. قابل توجه دانش آموزان:

مطالب این بخش، جدید نیست. شما قبلاً معنای این ضمیرها را آموخته‌اید. اکنون در این بخش، آنها را در دسته‌بندی مرتب مشاهده می‌کنید. قبل از تدریس این بخش از کتاب، در منزل پیش مطالعه کنید؛ سپس در کلاس درس، صرفاً رفع اشکال کنید.



ضمیرهای متصل				
عربی		فارسی		
ی بیتی <b>خانه ام / خانه من</b>		م، - من	اول شخص مفرد	
ك (مفرد مؤنث) بیتیك <b>خانه ات / خانه تو</b>	ك (مفرد مذکر) بیتیك <b>خانه ات / خانه تو</b>	ت، - تو	دوم شخص مفرد	
هـا (مفرد مؤنث) بیتهـا <b>خانه اش / خانه او</b>	هـ، هـ (مفرد مذکر) بیتهـ <b>خانه اش / خانه او</b>	ش، - او	سوم شخص مفرد	
نا بیئنا <b>خانه مان / خانه ما</b>		مان، - ما	اول شخص جمع	
كُما (مثنی مؤنث) بیئكُما <b>خانه تان / خانه شما</b>	كُما (مثنی مذکر) بیئكُما <b>خانه تان / خانه شما</b>	تَنان، - شما	دوم شخص جمع	
هُما، - هِما (مثنی مؤنث) بیئهُما <b>خانه شان / خانه آنها</b>	هُما، - هِما (مثنی مذکر) بیئهُما <b>خانه شان / خانه آنها</b>	هُنَّ، - هِنَّ (جمع مؤنث) بیئُهُنَّ <b>خانه شان / خانه آنها</b>	هُم، - هِمْ (جمع مذکر) بیئُهُمْ <b>خانه شان / خانه آنها</b>	شان، - ایشان (- آنها) جمع



ضمير							
ترجمه فارسی	متصل		ترجمه فارسی	منفصل		مؤنث	مذكر
	مؤنث	مذكر		مؤنث	مذكر		
او شِش، او شِشان، ايشان (آن دو) شِشان، ايشان (آنها)	هَـ هَـمَا هُنَّ	هُ هُمَا هُم	او ايشان (آن دو) ايشان (آنها)	هِيَ هُمَا هُنَّ	هِيَ هُمَا هُم	هِيَ	مفرد مثنى جمع
تو تِتان، شما (دو نفر) تِتان، شما (چند نفر)	كِ كُما كُنَّ	كَ كُما كُم	تو شما (دو نفر) شما (چند نفر)	أَنْتِ أَنْتِما أَنْتُنَّ	أَنْتِ أَنْتِما أَنْتُم	أَنْتِ	مفرد مثنى جمع
من، - من مِهان، - ما	ي نا	ي نا	من ما	أَنَا نَحْنُ	أَنَا نَحْنُ	أَنَا	متكلم وحده متكلم مع الغير



## فعل ماضی

فعلی که به زمان گذشته دلالت دارد و در گذشته رخ داده است



قَرَأَتْ

خواند



كَتَبَ

نوشت



سَمِعَتْ

شنیدی



رَفَعَ

بالا برد



صَبَرَتْ

صبر کردی



حَزَنْتَ

غمگین شدی



عَرَفْتُ

شناختم/دانستم



جَلَسَ

نشست



لَعِبُوا

بازی کردند



عَلِمْنَ

دانستند



وَقَفْنَا

ایستادیم



صَعِدْنَا

بالا رفتیم



وَصَلَا

رسیدند



فَرِحْتُنَّ

خوشحال شدید



أَكَلْنَا

خوردیم



نَظَرْنَا

نگاه کردید